



۲۰۱۸/۰۳/۰۶

م. عارف عباسی

این نه صدای مردم است و نه خواست مردم!

نوشتن و اظهار نظر نمودن بر موضوعاتی که مولود افکار مریض و علیل بوده عاری از هرگونه اتکاء منطقی و دلایل مقنع باشد سخت منزجر کننده و عذاب دهنده است. طرف واقع شدن با گروهی است که معتاد به سرتمبگی و اعمال زور بوده و در شرائط ناگوار و زمامداری های آلوده و جبون خواسته های خود را با چاقوکشی و تهدید بر شکستن و ریختن حاصل نموده اند، که خود آفرینش یک نوع فرهنگ منم گویی، بی مبالاتی و قانون شکنی را معمول گردانیده و علاوه بر خواسته ها، توقعات و ادعاهای غیر مسؤولانه و بی اساس و بی بنیاد تبارز نموده که بی نهایت عجیب و بهت انگیز است.

اصلاً بحث منطقی و مستدل با چنین قماشی سود نداشته و اصرار ورزی شان در تطبیق خواسته ها مبری از منطق و برهان عقلانی است، و یگانه راه حل مشکل به دست مجریان قانون است که منافع علیای کشور را با تطبیق بدون خوف و هراس صیانت نمایند و با هر نوع عمل خلاف منافع ملی توسط قانون معامله نمایند.

با یقین کامل و اطمینان مطلق می گویم که اگر یک هیأت بی طرف بین المللی تعیین شده به سویه قریه و قصبه روابط اجتماعی مردم افغانستان را ارزیابی و مطالعه نماید از زبان دهقان، چوپان و مالدار چه پشتون باشد، چه تاجک، چه ازبک و چه هزاره، می شنوند که :

وطن افغانستان است و حتی شاگرد دوره ابتدایی مکتب می گوید من افغانم

اگر روابط بین القومی را از دیدگاه این مدعیان قدرت و ویرانگران افغانستان تصور کنید باید روزانه صدها تاجک توسط پشتون و صدها پشتون توسط تاجک به قتل برسد که چنین نیست و در واقعیت این اقوام مانند نیاکان خود کنار همدیگر با صفا و صمیمیت زیست داشته در زمان تجاوزات و تعرضات بیگانه در صیانت استقلال کشور همرمز و همسنگر هم بوده اند.

ما همه قبول کرده ایم که افغان استیم و وطن ما افغانستان نامیده می شود این که از نظر دیگران خوب استیم و یا بد مهم نیست. واقعیت این است که:

- ما افغانستان با مشخصات فرهنگی عنعنات و رسوم و احساس جاویدان آزادی خواهی ما.
- بیرق افغانستان در جمله بیرق ۱۹۹ کشور در مقر ملل متحد در اهتزاز است و دنیا آن را به نام افغانستان می شناسد.

دلیل این که من افغانستانی ام و افغان نیم و نام افغانستان را که منسوب پشتون است قبول ندارم، می توان در سه عامل زیر پیدا کرد:

❖ ۱- نا آگاهی تأریخ گذشته های همین خطه (افغانستان امروزی) و تأریخ پهناور دنیا.

عروج و افول امپراتوری ها و تغییرات ناشی از آن در جغرافیای سیاسی جهان، تهاجمات بربر ها در اروپا و چنگیز و مغل ها در آسیا. تشکل ملل توسط اختلاط اقوام مختلف و زبان های مختلف که هر یک مباحث طولانی است. مناطق این خطه هر کدام در عصور مختلف قبل از اسلام و بعد از اسلام مراکز بزرگ فرهنگی و زادگاه تمدن های درخشان بوده است ولی موقعیت سیاسی چندان روشن نیست که چه زمانی و با چه نامی خود مرکز یک ساختار بزرگ سیاسی بوده است و یا جزء یک قلمرو بزرگ منطقه.

قبل از تهاجم اعراب میان تمدن های بخارا، سمرقند، قوقند، مرو، خیوا و ترکستان شرقی، بلخ، هرات و غزنه همبستگی عرفانی، اقتصادی و صنعتی وجود داشته ولی شواهد مرکزیت سیاسی و تسلط یک بر دیگر وجود ندارد و هر یک از استقلال سیاسی برخوردار بوده اند و در آن زمان اثری از افغانستان، تاجکستان، ازبکستان، ترکمنستان و قرغزستان نبود که بعد ها مناطق مستقل ماورالنهر به نام خانات آسیای مرکزی یاد می شد.

امپراتوری محمود غزنوی را که مرکز آن غزنی بود نمیتوان به افغانستان امروزی و یا فارس دیروز (ایران امروزی) ارتباط داد. هکذا قلمرو خوارزمشاهان، سلاجقه ترک تبار متصرفات خود را به شمول مناطق کشور ما داشتند. هکذا سلاله مغل ها در هند و غرب دریای سند خراسان بخشی از مناطق کشور ما و کشور های هم جوار را احتوا میکرد. با تقویت و تحکیم دولت مرکزی افغانستان در قرن ۱۹ ملت افغانستان از اختلاط اقوام ساکن و یک قسمت مهاجرین تشکیل گردید. تا دیر زمانی لسان پشتو را در مطبوعات رسمی زبان افغانی می گفتند ولی لوی جرگه ها توسط نمایندگان ملت هویت افغانستان و تعریف ملت را تصریح نمود.

❖ ۲- فتنه انگیزی و مداخلات بیگانه ها برای فروپاشی افغانستان و بهره گیری سیاسی و اقتصادی.

❖ ۳- درک زوال قدرت های ایجاد شده توسط بیگانگان و معرفت آگاهانه ملت به جنایات، فساد پیشگی تفرقه اندازی شان غرض جلوگیری از سرنگونی شان از قدرت و مورد مؤاخذه قانون قرار نگرفتن حالا آشوب می آفرینند و از افغانستانی بودن و خراسانی شدن شعار می دهند و برای مرگ خود مهلت می خواهند.

❖ ۴- تأریخ گواه است که شوروی برای موفقیت خود و استمرار حکمروایی نظام دست نشانده اش اقوام

افغانستان را به ملیت ها تصنیف نموده برای هر یک وزارتی تأسیس نمود که سنگ اول را در تهداب تجزیه افغانستان گذاشت که به ناکامی انجامید و در نفس های واپسین باز سلطه ولایات شمال را به احمد شاه مسعود

برای تحقق آرمان ایجاد تاجکستان کبیر وی سپردن قدم دیگری بود که برای تجزیه افغانستان گرفته شد که عملی نشد.

وطن دار افغانستانی خراسان طلب؟

زمانی که اوراق مهاجرت را برای آمدن به امریکا و اروپا تکمیل کردی به سر بلند گفتی من افغانم و در فورمه جایی برای ذکر قومیت تو نبود و فعلاً هم در برابر سؤال یک امریکایی و اروپایی می گویی من افغانم و از افغانستان.

فریب بیگانه مثل پیش کسوتانت مخور و چنین هوس های بیهوده را از سر دور کن. تو هرگز صدای ملت را بلند کرده نمی توانی مردم شما را خوب شناخته اند تو و امثال تو از بازخواست مردم گریخته نمی توانید.

مردم نان می خواهند، سرپناه می خواهند، کار می خواهند، مصونیت و امنیت، عدالت و پارسان می خواهند صیانت شرف، عزت و ناموس خود را می خواهند. مردم به نام قوم با هم مشکلی ندارند و تویی که برای بهره گیری سیاسی خود و بادارت میان مردم درز ایجاد می کنی.

مردم در فکر افغانستانی بودن و خراسان طلبی نیستند و بدان که این خواب مردم را بیداری این خموشی را آگاهی و انتقام در قبال است.

زنده باد افغانستان – پاینده باد ملت افغان – با اهتزاز باد بیرق افغانستان

